



ویژه‌نامه قدس  
به‌مناسبت  
سخنرانی‌نوروزی  
رهبر معظم انقلاب  
در حرم مطهر رضوی

۱۰

استوار کرد؛ باید بر قدرت منطق استوار شود که همین گونه نیز بوده است. حضرت امام خمینی(ره) و رهبر معظم انقلاب اسلامی، سال‌های سال تلاش کردند پیروان خودشان را با معارف اسلامی آشنا کنند و دشمنان اسلام و انقلاب را به آن‌ها بشناسانند. همین که حضرت امام (ره)، دشمن اصلی اسلام و انسانیت را در دنیا، شیطان بزرگ یعنی آمریکا می‌دانند و اعلام می‌کنند همین هدف‌گیری شیطان بزرگ به عنوان مظهر منطق قدرت در جهان، موجب پیروزی انقلاب اسلامی می‌شود؛ یعنی باید اول «بت بزرگ» را زد تا شیاطین کوچک و بت‌های کوچک نیز قدرت خودشان را از دست بدهند. هدف انقلاب اسلامی اصولاً رشد و تکامل انسان‌هاست یعنی انقلاب اسلامی آمده است و استمرار پیدا می‌کند تا نظاماتی را شکل بدهد که در آن، انسان‌ها به رشد و تکامل لازم برسند.

نظامات مبتنی بر منطق قدرت موجبات رشد و تکامل انسان‌ها را فراهم نمی‌کند و انسان‌ها را به آسایش و آرامش لازم نمی‌رساند؛ بنابراین انقلاب اسلامی باید این نظامات را از جمهوری اسلامی دفع کند و به جای آن نظاماتی را مستقر کند که وقتی مردم در نسبت با این نظامات و سازوکارهای موجود در آن زیست کردند، به رشد و تکامل برسند. نظاماتی که مبتنی بر منطق قدرت شکل گرفته و امروز تمدن غرب مبتنی بر آن است، مردم را از عرصه خارج می‌کند و نقش مردم را در ساخت سرنوشت انسانی خودشان از آن‌ها می‌گیرد و تصمیم‌گیری‌ها را به قطب‌های قدرت و ثروت واگذار می‌کند ولی نظاماتی که بر اساس فرهنگ و ارزش‌های اسلامی باشد، درست برعکس، مردم را به عرصه می‌آورد و آن‌ها را در سرنوشت خودشان دخیل می‌کند و به توانایی‌های لازمی که خداوند مقرر کرده است، می‌رساند.

#### ■ برای چنین تجربه‌ای آیا شاهد مثالی وجود دارد که بشود به آن ارجاع داد؟

به صورت واضح و روشن، ما نمونه‌اش را در دوران دفاع مقدس دیدیم. در دوران دفاع مقدس، مردم جامعه و مستضعفین به عرصه آمدند و بر اساس فرهنگ و ارزش‌های اسلامی خودشان و در نظام امام و امت حماسه‌هایی آفریدند که در طول تاریخ خیلی از ملت‌ها، بی‌نظیر است؛ ما باید همان مسیر را دنبال کنیم. اگر مردم در عرصه باشند، هم انقلاب اسلامی استمرار پیدا می‌کند، هم مسائل و مشکلات پیش روی مردم در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی حل می‌شود و هم الگوی الهام‌بخشی برای دیگر ملت‌ها و کشورها خواهیم بود اما متأسفانه به این مسئله توجه کمی شده است؛ ما در دولت‌های بعد از دفاع مقدس، دیدیم به این مهم توجه جدی نشده است و مردم عملاً از عرصه خارج شدند. وقتی مردم از عرصه خارج شوند، درست است که دولت‌هایی مثل دولتی که در کشور ما مستقر می‌شود - منابع و پشتوانه‌های عظیم، خدادادی و نفتی دارند - به وکالت از مردم شروع به کار می‌کنند ولی مهم این است که این کارها توسط خود مردم انجام شود؛ انجام کارها توسط مردم به این معناست که در تصمیم‌گیری‌های خرد و کلان، عموم مردم شرکت کنند. درست است که دولت‌های غربی هم حرفشان بر اساس دموکراسی این است که ما هم به اکثریت مردم توجه داریم و مدعی‌اند نظریه دموکراسی به دنبال همین حرف است که اکثریت مردم در تصمیم‌گیری‌ها شرکت داشته باشند و در مورد سرنوشت خود تصمیم بگیرند ولی این ظاهر قضیه و قصه است؛ دموکراسی آن طور که مطرح می‌شود، اعمال نمی‌شود.

الگوی جدی مشارکت در دفاع مقدس؛ دفاع از مرزهای کشور و ایستادگی در برابر دشمن بود و در سال‌های پس از آن نیز شواهدی

وجود داشته است؛ درست است که مردم ما در عرصه حل مسائل فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جامعه از طرف دولت‌ها نقش جدی پیدا نکردند ولی در نهادهای دینی که سرمایه عظیمی برای این ملت است، حضور داشتند و در بزنگاه‌هایی خودشان را به عرصه رساندند و از انقلاب اسلامی و کشور دفاع کردند. به خصوص در عرصه‌های جنگ نرم، اگر این مردم حضور جدی نداشتند، چه بسا دشمن به پیروزی‌های زیادی دست پیدا می‌کرد و با نفوذ خودش در ارکان مختلف کشور، امروز به ظاهر جمهوری اسلامی داشتیم ولی در باطن همان منویاتی که دشمنان انقلاب اسلامی پیگیری می‌کردند را شاهد می‌بودیم؛ کما اینکه در بعضی از مواقع شاهد هستیم که چطور دشمنان انقلاب اسلامی موفق شدند برنامه‌های خودشان را در برخی از عرصه‌های سیاسی و اقتصادی، به نحوی توسط مدیران و تصمیم‌گیران ما به عمل برسانند.

پس کار انقلاب اسلامی این است که به مردم در همه عرصه‌ها حضور حداکثری ببخشد؛ یعنی بیشتر امور توسط مردم انجام شود و خودشان تصمیم بگیرند مگر آن دسته از اموری که امکان واگذاری و تصمیم‌گیری در آن را نمی‌شود به مردم واگذار کرد. حضور مردم در همه عرصه‌ها صرفاً به این معنا نیست که ما هر چند وقت یک بار انتخاباتی شکل بدهیم و بگوییم اکثریت مردم به افرادی رأی دادند و آن‌ها مسئولیت بپذیرند البته بخشی از حضور مردم در همین است ولی نه همه آن. بنابراین باید در نظامات موجودی که مانع حضور مردم هستند، تغییر ایجاد کرد، باید سازوکارهایی دیده شود که نه تنها مانع حضور مردم نباشد، بلکه عامل حضور و مشارکت مردم باشد. رهبر معظم انقلاب بارها بر این مهم تأکید داشتند؛ همان گونه که حضرت امام(ره) پیشتر به آن توجه می‌دادند که انقلاب اسلامی و نظام امامت و ولایت یکی از پایه‌های اصلی‌اش همین مردم انقلابی، مؤمن و متدین هستند که به دنبال اطاعت از اوامر الهی‌اند. رهبر معظم انقلاب بر شکل‌گیری گروه‌های جهادی، حلقه‌های میانی و بسیج بارها و بارها تأکید داشتند؛ بسیج یعنی مشارکت و حضور مردم در همه عرصه‌ها. بسیج صرفاً معنای سازمانی ندارد که بگوییم بسیج یعنی یک سازمان خاص. بسیج به معنای حضور و مشارکت منسجم همه مردم در حل مسائل خودشان است؛ حتی آن دسته از مردمی که ممکن است انقلاب اسلامی را درک نکرده و نپذیرفته باشند، با معارف اسلامی هنوز آشنا نیستند و ممکن است به آن پایبند نباشند ولی همه مردم آمادگی و علاقه دارند و می‌توانند در حل مسائل و زندگی خودشان با مشارکت همدیگر مسائل را حل کنند.

#### ■ اکنون مسئله این است که راهکار اصلی کدام است؟ چکار کنیم که چنین اتفاقی بیفتد؟ وقتی می‌خواهیم به سراغ راه حل برویم، نمی‌توانیم به سراغ همان راهکارهایی برویم که در کشورهای دیگر معمول است و امروز و تاکنون نیز بخش زیادی از امور در کشور ما با این مدل اداره شده است.

بخش زیادی از امور مردم توسط خود مردم در واحد محله، قابل حل است؛ بنابراین باید نظامات را بر اساس و محور محله شکل بدهیم. محله یعنی مجموعه‌ای از خانواده‌هایی که در یک محدوده مشخص و معین که همدیگر را می‌شناسند، جمع می‌شوند و زندگی می‌کنند. یک مکان مشخص و معینی است که مردم بیشترین حضور را در آنجا دارند و بخش زیادی از مسائل خودشان را در آن محل می‌توانند با مشارکت همدیگر حل کنند؛ بنابراین ما باید به سمتی حرکت کنیم که اختیارات را تا سطح محلات ببریم و در سازمان‌های بزرگ متمرکز نکنیم تا مردم به واسطه آشنایی با همدیگر و به خاطر سلاقی و علاقی مشترک، بروند و در سطح محله، مسائل خودشان را حل کنند و

در دوران دفاع  
مقدس، مردم جامعه و  
مستضعفین به عرصه  
آمدند و بر اساس  
فرهنگ و ارزش‌های  
اسلامی خودشان  
حماسه‌هایی آفریدند  
که در طول تاریخ خیلی  
از ملت‌ها، بی‌نظیر  
است؛ ما باید همان  
مسیر را دنبال کنیم